

پاکیزه تر از آینه و آب  
روشن تر از سحرگه صحرا  
پرزاز تر از روح ستاره  
بی تاب تر از سینه دریا .  
این گونه میباشم ات  
ای انسان  
این گونه آمدی تو به این دنیا .  
\*

اینک دمی در آینه ی هستی  
بنگر ، چگونه ساخته ای خود را .

ژاله اصفهانی

آغاز و انجام .  
دو واژه ساده و گویا ، اما عمیق و پرمحتوا .  
بر اساس قوانین حاکم بر طبیعت هر پدیده ای آغاز و انجامی دارد ،  
پوزش میخورد هم از اینکه قوانین بدیهی را بیان میکنم ، اما نکته مهم  
در همین امر بدیهی است .  
حال اگر خود را یکی از پدیده های طبیعت بدانیم که حتما میمانیم ،  
و آغاز تا انجام را مسیر حرکت ،  
سوال این است :  
ما در کجای این مسیر پرتلاطم قرار گرفته ایم ؟  
اثرات مثبت یا منفی ما در طول این مسیر بر خود و سایر پدیده ها چیست ؟  
چه انجामी برای خود قابل هستیم ؟  
و چنانچه معتقد به وجود قانونمندی های حاکم بر طبیعت باشیم ، بر حسب  
قاعده فقط یک پاسخ صحیح وجود دارد .  
برخورد و جهان هستی بنگریم و به دنبال پاسخ صحیح باشیم .

تهران  
منصور  
مرداد 86



بعنوان یک میهمان ناخوانده و یابعدارتی دیگر میهمانی خود خوانده لازم میدانم برای آشنایی بیشتر شما عزیزان نکاتی را یادآوری نمایم .

مطالبی که ارائه میشود همواره باشعری از شاعری یک تابلو نقاشی از نازنینی با احساس و متنی کوتاه از بنده حقیر خواهد بود .

مجموعه شعر نقاشی و نوشته تابلو واحدی است و تلاش بر اینست که از این تلفیق مفهوم واحدی برای هر عزیز بیننده تداعی شود .

هدف از ارائه این مجموعه صرفاً " ایجاد جرقه ای در ذهن بیننده به منظور برقراری یک ارتباط ذهنی و تلاشی برای گفتگوی مشترک میباشد .

برداشت از هر تابلو به اختیار بیننده میباشد و هر کس بنا بر تجربیات ذهنی

و اجتماعی خود میتواند نتیجه گیری خود را داشته باشد و آرایه کنندگان هیچ اصراری برای القا نظریه یا ایده ای خاص ندارند .

از همه بینندگان مصرانه درخواست میشود از آرایه نظرات خود دریغ ننمایند .  
ما تلاش میکنیم فقط افکار درون خود را بیان کنیم تا شاید زمینه ای فراهم شود برای هر چه نزدیکتر کردن انسانها با هر رنگ نژاد و عقیده ای .

بانسکر از همه عزیزان

سالها دل طلب جام از ما میکرد آنچه خود داشت زیبگانه تمنا میکرد

من شاعر یا نقاش نیستم حتی باتکنیکهای این دو مقوله هنری نیز آشنایی ندارم  
و همینطور که ملاحظه میکنید شعر سرآغاز از حافظ و نقاشی نیز از عزیزی  
آزاداندیش میباشد شاید شما هم همینطور باشید .

آنچه مسلم است هر کدامان هر چه که باشیم بهر حال بعنوان یک انسان دارای  
وجوه مشترکی هستیم که میتوانند درک مشترکی از برخی پدیده هادرمایجاد  
کنند .

انصافاً " چه مقدار به کنکاش در درون خود پرداخته ایم و در این کنکاش درونی  
به کدام گنجینه گرانبهای انسانی دست یافته ایم .

با کمی صرف وقت و دقت در تابلو تلاش کنیم پاسخی درخور برای سوالات  
فوق بیابیم .

تهران

منصور

